

و علمای ایشان بشکر دان برسانند و ایشان بخلق برسانند تا عذر باشد یعنی محبت پیدا کنند  
برایشان تا خلق نکند که باشند و در اندیشه ما را کسی نترسانند و ازین روز خبر کرده بجهت  
این خبر که اگر ایمان بخند و درستی که آنجا ترسانند می شود شما با وعده کرده می شود  
شما من الا بعد او و الوعد لواقع مرآینه افشده است و باشد است معنی قیامت و  
و در روز قیامت بود بی شک فاذا البقیه من سائرکان طمست نور برده شوند  
و نور بر زلف الطین پدید گردن و اذ السماء و هجرت و چون آسمان شکافته شود اول  
شود و پس شکافند و پس از هم جدا شود و پاره پاره شود و درجه دره شود و آنجا نیست شد  
ذکر فی القرآن اول حال السمار التوسی ثم اللساق ثم الانعقاد ثم الانفراج حتی تتلاخی قصیر  
کانتا کم کن و اذ اللیل السعفت و چون کوهها برکنده شود و بیاد واره شود اول  
پراکنده شوند پس رانده شوند در هوا همچون پشم رنگین پس ریزه ریزه شوند همچون  
پس با خبر شوند و کویا کویا می شوند و اذ الرسل و چون پیغامبران اقیقت کرده  
شوند جواب فاذا انعم طمست تا اینجا محذوفت معنی چون این کارها واقع شود قیامت  
پیدا می آید یوم یجلیت هر کدام روز را تا خبر کرده باشد است این کارها بایز یک  
استفهام زبانی نفییم باشد لیوم الفصل از یک مایه الفصل وجه دانی ترجمه  
بزرگست روزی که گردن یعنی چون نفی صورت شود زمین برنج در زمین کیم و آسمان

برخود طغیان کرده و کوهها از جای دیهوا شوند و پیستارگان فروریخته گردند و پیغمبران  
جمع کرده شوند و خیم در خیم او سخن کرده ای و هلاک دران روز بزرگان جناب می سخا  
و تعالی کنست و یوم یومید لیکذبتان و ای دران روز دروغ دارند و کارها و قبل  
و اویست در روز کاز و اول کویند که اگر کوهها دران اندازه بکند زده و این کارها دران  
باشد بخود با لذت من ذلک الوصلک الاولین اما نیست نمردم تو پیشین یعنی  
قوم نوح را تو فقیه محمد الاخرین پس از ایشان در آورده ایم و نیست گردن ایشان  
پسین یعنی قوم عاد و ثمود و قوم لوط و قوم فرعون و غمراش ترا چون کانی میاوردند  
بر سخامان خود کذبتک بفعل البحرین و یوم یومید لیکذبتان  
کینم بکنه کاران یعنی کافران ائمت ترا بر قدر خود بگیرم و نیست کرد اینم ترا بایشان  
نصرت و هم چون مسکوران قیامت را یاد کرده و از هلاک گردن ایشان ترسند که در لایل  
قدرت خود کرده که قادریم که قیامت را بیاوریم و همه مرده کار از زنده کرده اند و ستان  
بهشت برود و شما ترا بد فرخ چون این همه ممکنست پس کنت جل جلاله الخلقکم  
ازید و شما را حق مایه و صحیحین از این است یعنی غمراش را نایک که آب پدر و مادر است  
بجمله آن پس گردانند زمان آبرو و نهامیش فی قلبه کلین و اذ ایماه استوار بر مردم  
وزیران آورست الی قدره شعاع و اندازه دانسته شده یعنی تا وقت دست